

مطالعات میان‌حوزه‌ای و میان‌رشته‌ای در زبان‌شناسی ایران

فاطمه معصومی^۱

دانشجوی دکترای دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات

علی‌رضا قلی‌فامیان^۲

دانشگاه پیام نور

سید مصطفی عاصی^۳

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

حیات عامری^۴

دانشگاه تربیت مدرس

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۷/۰۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۶/۰۶

چکیده

با وجود اهمیت مطالعات میان‌رشته‌ای در سرتاسر جهان، تاکنون مطالعه‌ای در زمینه ماهیت و روند میان‌رشته‌ای شدن در زبان‌شناسی ایران انجام نشده است و به همین دلیل، نگارندگان مقاله حاضر کوشیده‌اند تا خلأ پژوهشی مذکور را با رویکردی کمی رفع نمایند. پیکره فراهم‌شده برای مطالعه حاضر شامل ۱۸۵۹ مقاله مستخرج از ۴۷ نشریه علمی-پژوهشی است. نگارندگان با تکیه بر عنوان، کلیدواژه‌ها و گاه متن مقاله، تک‌تک مقالات را در پانزده حوزه و/یا هفت میان‌رشته‌ای طبقه‌بندی کردند. شناسایی ۱۳۵۳ مقاله (۷۳ درصد از کل مقالات) با ویژگی میان‌حوزه‌ای یا میان‌رشته‌ای نشان داد که دانش زبان‌شناسی در ایران، همگام با سایر علوم در دیگر نقاط جهان میان‌رشته‌ای شده است. براساس یافته‌ها، «نحو» پربسامدترین و پرنفوذترین حوزه، و «ادبیات‌وزبان‌شناسی» نیز پربسامدترین و پرنفوذترین میان‌رشته‌ای است. بررسی تعامل

1. hiradeh_m@yahoo.com

2. famianali@yahoo.com

3. smostafa.assi@gmail.com

4. h.ameri@modares.ac.ir

تقاطع‌های حوزه‌ها و میان‌رشته‌های حاکی از آن است که بالاترین میزان تعامل به حوزه «تحلیل گفتمان» با میان‌رشته‌های «ادبیات‌وزبان‌شناسی» اختصاص دارد. متغیر وابستگی سازمانی نویسندگان مقالات نشان می‌دهد که در مجموع، ۱۲۷ دانشگاه و مرکز آموزشی و پژوهشی در نگارش مقالات پیکره مورد مطالعه نقش داشته‌اند و البته سهم دانشگاه‌ها کاملاً نامتوازن است، به طوری که اعضای هیئت علمی و دانشجویان ۱۰ دانشگاه، در تألیف ۷۲ درصد از مقالات نقش داشته‌اند و ۲۸ درصد باقی‌مانده توسط محققان ۱۱۷ دانشگاه ارائه شده است. بررسی داده‌ها، با تکیه بر متغیر زمان، نیز نشان می‌دهد که در ۲۵ سال گذشته میزان میان‌رشته‌ای شدن به‌گونه‌ای چشمگیر افزایش یافته است.

کلیدواژه‌ها: حوزه، میان‌حوزه‌ای، رشته، میان‌رشته‌ای، مقاله‌های زبان‌شناسی.

۱- مقدمه

برای مردم عادی، شاید جهان یک مجموعه اصطلاحاً «درهم» به نظر بیاید، اما اهل علم همواره کوشیده‌اند پدیده‌های جهان را طبقه‌بندی کنند و سپس برای کشف هر طبقه از پدیده‌ها، رشته‌های علمی خاصی را پایه‌گذاری کنند. هر رشته علمی دارای مبانی و شیوه‌های پژوهشی خاص خود است و در طول دهه‌ها و قرن‌ها، نظریه‌پردازان، محققان و دانشجویان در یک رشته معین به اشتراکات نظری و کاربردی مشخصی دست می‌یابند. بدیهی است که حضور و مشارکت در هر رشته علمی، مشروط به پذیرفتن اشتراکات مورد نظر است و چنانچه محقق بی‌دلیل به اصول مشترک و تثبیت‌شده رشته خود بی‌اعتنایی کند، از سوی افراد جامعه علمی مورد نظر طرد می‌شود. ضرورت دسته‌بندی علوم قدمتی طولانی دارد و از نظر موران^۲ (۲۰۰۲: ۴-۳)، تقسیم‌بندی علوم به رشته‌های مختلف از فلسفه یونان آغاز شده است. ارسطو علوم مختلف را در قالب یک سلسله‌مراتب در سه سطح نظری، کاربردی و سازنده تعریف کرد. علوم نظری در سطوح بالایی این سلسله‌مراتب شامل الهیات، ریاضیات و فیزیک بودند. علوم کاربردی شامل اخلاق و سیاست بودند و علوم سازنده که در پایین‌ترین سطح سلسله‌مراتب به‌شمار می‌آمدند، مواردی همچون هنرها، ادبیات و مهندسی را دربرمی‌گرفتند.

در دوران معاصر، محققان مختلفی درخصوص چیستی دانش و رشته‌های علمی و همچنین میان‌رشته‌ای^۳ آنها اظهار نظر کرده‌اند. وایتلی^۴ (۱۹۷۶) رشته‌ها را نوعی گروه‌بندی اجتماعی سازمان‌یافته معرفی

1. discipline
2. J. Moran
3. interdisciplinary
4. R. Whitley

کرده است و کینگ^۱ و براونل^۲ (۱۹۷۶) در تعریفی جامع‌تر، ضمن تأکید بر جنبه ادراکی و زبانی حاکم بر رشته‌ها، معتقدند در هر رشته نوع خاصی از تخیل انسان، سنتی برگرفته از یک گفتمان رایج در میان پیشینیان، میراثی از آثار نوشته‌شده در گذشته و جامعه‌ای آموزشی حاکم است. درسل^۳ و مارکوس^۴ (۱۹۸۲) نیز هر رشته را شیوه‌ای قاعده‌مند برای سامان‌دهی و مطالعه یک پدیده می‌دانند. مطالعه در خصوص رشته و میان‌رشته‌ای محدود به مباحث نظری نبوده است و برای مثال، لاتوکا^۵ (۲۰۰۱)، ضمن مصاحبه با ۳۸ عضو هیئت علمی دانشگاه در ایالات متحده آمریکا، کوشیده است تصویری جامع از مرزبندی‌های مرسوم از رشته‌ها و روند شکل‌گیری میان‌رشته‌ای‌ها فراهم سازد.

اصطلاح میان‌رشته‌ای ابتدا در نیمه دهه ۱۹۲۰ و در محافل علوم انسانی و علوم اجتماعی مطرح شد. زیرا گروهی به این نتیجه رسیدند که بسیاری از معضلات حیات بشر صرفاً با روش‌شناسی و شیوه‌های یک علم واحد قابل حل نیست. امروزه تحقیقات میان‌رشته‌ای دغدغه‌های مهم در میان برنامه‌ریزان علوم و فناوری در سرتاسر جهان است و بسیاری از مؤسسات و بنیادهای علمی به تبیین نظری این گرایش و چالش‌های کاربردی آن می‌پردازند. برای مثال، آکادمی ملی علوم ایالات متحده آمریکا و آکادمی ملی مهندسی و انستیتو پزشکی این کشور در سال ۲۰۰۳ طرحی پانزده‌ساله را برای توسعه علوم میان‌رشته‌ای در ایالات متحده به تصویب رساندند. در یکی از گزارش‌های این طرح آمده است که یک علم میان‌رشته‌ای علمی است که در آن گروه‌ها یا افراد در کنار هم به فعالیت می‌پردازند و از این طریق، مفاهیم، نظریه‌ها، چشم‌اندازها، ابزارها، شیوه‌ها، داده‌ها و اطلاعات مربوط به دو یا چند حوزه پژوهشی با یکدیگر تلفیق می‌شود (نشال آکادمیکز^۶، ۲۰۰۵).

ترنر^۷ (۲۰۰۰) معتقد است رشته‌ها و میان‌رشته‌ای‌ها به لحاظ مناسبات بازار و بوروکراسی حاکم بر دانشگاه‌ها نیز باهم تفاوت دارند. به اعتقاد او، تفاوت عمده این است که گروه‌های علمی که رشته‌ها را نمایندگی می‌کنند، در دانشگاه‌های مختلف کم‌وبیش مشابه هم عمل می‌کنند. به بیان دیگر، مسائل، دغدغه‌ها، رویکردهای علمی و حتی امور اجرایی از قبیل استخدام، آموزش و ارائه کمک‌هزینه‌های تحصیلی یک گروه فلسفه در یک دانشگاه تفاوت چندانی با گروه فلسفه در دانشگاهی دیگر ندارد. برعکس، مراکز یا

-
1. A.R. King
 2. J.A. Brownell
 3. P. Dressel
 4. D. Marcus
 5. L.R. Latucca
 6. National Academics
 7. S. Turner

مؤسسات میان‌رشته‌ای، به‌لحاظ ساختار و عملیات تفاوت‌های بنیادی دارند. برای مثال، یک مرکز میان‌رشته‌ای ممکن است با هدف اعزام سفینه به سیاره‌ای دیگر تشکیل شود و ده‌ها دانشمند سال‌ها در آن کار کنند، درحالی‌که در مرکزی دیگر ممکن است دو یا چند نفر در مدت زمانی کوتاه، به‌صورت پاره‌وقت برای حل یک مسألهٔ بینارشته‌ای ساده همکاری کنند.

صرف‌نظر از شباهت‌ها و تفاوت‌ها در ماهیت و کارکرد میان‌رشته‌ای‌ها، صحنهٔ تحولات علم نشان می‌دهد که میان‌رشته‌ای‌ها به‌سرعت در حال گسترش‌اند و دلایل مختلفی برای این گرایش مطرح شده است. کارایول^۱ و نگوین‌تی^۲ (۲۰۰۵) معتقدند پژوهش‌های میان‌رشته‌ای به دو دلیل عمده از جذابیت برخوردارند. نخست این که این‌گونه مطالعات، درمقایسه با پژوهش‌های کلاسیک، خلاقانه‌ترند، درواقع، هنگامی که افراد با زمینه‌های مختلف و حوزه‌های متنوع گرد هم می‌آیند، احتمال دسترسی به نتایج موفقیت‌آمیز و رضایت‌بخش بیشتر می‌نماید. دوم این که این تصور نیز وجود دارد که پژوهش‌های میان‌رشته‌ای اصطلاحاً کاربردی‌ترند، زیرا این قبیل مطالعات اساساً برای پاسخ به پرسش‌های واقعی انجام می‌شوند. پورتر^۳ و رافولز^۴ (۲۰۰۹) در مطالعه‌ای میزان رشد و گسترش علوم میان‌رشته‌ای را به‌کمک شاخص‌هایی مانند درجهٔ ادغام^۵ بررسی کرده‌اند. منظور از ادغام، تنوع منابع علمی ارجاع‌داده‌شده در یک مقالهٔ علمی است. آنان میزان میان‌رشته‌ای‌شدن^۶ را در شش حوزهٔ پژوهشی بین سال‌های ۱۹۷۵ تا ۲۰۰۵ ارزیابی کرده‌اند. رشته‌های مورد بررسی آنان هم رشته‌های کلاسیک (ریاضیات) را دربرگرفته است و هم علوم جدیدتر، مانند علوم اعصاب را مدنظر قرار داده است. یافته‌ها حاکی از آن است که در این بازهٔ زمانی ۳۰ساله، پژوهش به‌فعالیتی گروهی تبدیل شده است، به‌طوری‌که در سال ۲۰۰۵، به‌جز رشتهٔ ریاضیات، در پنج رشتهٔ دیگر، سهم مقالاتِ تکنویسنده کمتر از ۱۰ درصد است. همچنین مشخص شد که در سال ۲۰۰۵ فراوانی ارجاعات^۷ در مقالات نسبت به سال ۱۹۷۵ بیش از ۵۰ درصد رشد داشته است. پورتر و رافولز در نتیجه‌گیری خود اعلام کرده‌اند که علوم در بازهٔ زمانی ۳۰ساله میان‌رشته‌ای‌تر شده‌اند، هرچند میزان همکاری میان علوم و حوزه‌های پژوهشی نزدیک‌تر بیشتر است. پژوهش علمی میان‌رشته‌ای مرزهای نوینی را پیش روی محققان

1. N. Carayol
 2. T.U. Nguyen-Thi
 3. A.L. Porter
 4. I. Rafols
 5. integration score
 6. interdisciplinarity
 7. citation

باز می‌کند و شاخص‌های جدیدی را برای ارزیابی برون‌داد علوم مطرح می‌سازد. واگنر^۱ و همکاران (۲۰۱۱) ابتدا به مرور اجمالی مقیاس‌های کمی مطالعات میان‌رشته‌ای پرداخته‌اند، اما به این نکته نیز اشاره می‌کنند که تعاریف، ابزارها و فرایندهای ارزیابی مختلف در علوم بر جنبه‌های مختلف مطالعات میان‌رشته‌ای تأثیر می‌گذارد. آنان ضمن بررسی شاخص‌های کمی، از قبیل هم‌نویسندگی^۲، هم‌اختراعی، همکاری میان مراکز علمی، استناد و غیره، به این واقعیت اذعان دارند که صرفاً به‌واسطه تحلیل این شاخص‌ها نمی‌توان پویایی اجتماعی منجر به ادغام علوم را درک کرد. از همین رو، آنان به شاخص‌هایی نوظهور مانند مرکزیت میان‌بودگی^۳ و تنوع^۴ اشاره می‌کنند، هرچند به این نکته نیز اشاره دارند که این شاخص‌ها اغلب به تعبیر پیچیده می‌انجامد. به این ترتیب، واگنر و همکاران (همان) به تلفیق شاخص‌های کتاب‌سنجی سنتی و شاخص‌های جدید معتقدند، اگرچه انجام چنین مطالعات گسترده‌ای به زمان و هزینه بسیار زیادی نیاز دارد.

رشد و توسعه میان‌رشته‌ای‌ها، روندی کیفی و پیچیده است و یکی از چالش‌های پیش‌روی محققان این است که این روند کیفی را چگونه با روش‌های کمی بررسی کنند. سیلوا^۵ و همکاران (۲۰۱۳)، با تکیه بر مفاهیم شبکه‌های پیچیده^۶، به طراحی شبکه استنادی پرداختند و از این طریق ارتباطات درونی رشته‌ها را شناسایی کردند. آنان با شیوه‌ای کمی و با استفاده از مقیاس انترویی^۷، ماهیت میان‌رشته‌ای نشریات علمی و رشته‌های علوم را سنجیدند. این مقیاس مبتنی بر تنوع مقولات موضوعی نشریات در استناد به نشریه‌ای معین است. در این روش، با کمک دادگان گزارش‌های استناد نشریات، شبکه‌های استنادی نشریات طراحی می‌شود. در این شبکه‌ها، هر نشریه در حکم یک گره است و حاشیه‌ها نیز براساس استنادهای میان نشریات تنظیم می‌شوند. سیلوا و همکارانش نشریات منتشرشده در یک بازه زمانی ۱۱ ساله (بین ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۹) را مدنظر قرار دادند. نتایج این بررسی نشان داد که علوم با سرعت میان‌رشته‌ای‌تر می‌شوند و میزان میان‌رشته‌ای‌شدن (یعنی انترویی) به‌شدت با قدرت درونی نشریات و ضریب تأثیر آنها همبستگی دارد. به‌بیان دیگر، نشریات با ضریب تأثیر بالاتر، کمک بیشتری به میان‌رشته‌ای‌شدن علوم می‌کنند. البته سرعت میان‌رشته‌ای‌شدن در رشته‌های علمی یکسان نیست، برای مثال در رشته‌های شیمی، فیزیک و زیست‌شناسی، روند میان‌رشته‌ای‌شدن غالب است، درحالی‌که، در کمال تعجب، این گرایش در علوم رایانه

1. C.S. Wagner

2. co-authorship

3. betweenness centrality

4. diversity

5. F.N. Silva

6. complex network

7. entropy measurement

ضعیف‌تر به نظر می‌آید. سیلوا و همکارانش بر این باورند که، با تعمیم یافته‌های پژوهش مورد نظر، می‌توان به طراحی هستان‌شناسی‌هایی برای علوم و فناوری پرداخت و اطلاعات ارزشمندی را در اختیار برنامه‌ریزان تحقیق و توسعه قرار داد.

در توجیه و تبیین از بین رفتن مرزهای دقیق علوم و گسترش میان‌رشته‌ای‌ها، عوامل متعددی مطرح شده است که از آن جمله می‌توان به افول اثبات‌گرایی^۱ حاکم بر فعالیت‌های علمی، ظهور پست‌مدرنیسم، بحران‌های زیست‌محیطی برخاسته از رویکرد تک‌بعدی هریک از علوم به جهان و محیط زیست، جهانی‌شدن و یکپارچه‌شدن بسیاری از فعالیت‌های کشورهای مختلف، بسط تعامل فرهنگ‌ها به جای تعارض فرهنگ‌ها و نظایر آن اشاره کرد (آیت‌اللهی، ۱۳۹۴: ۱۴-۱۳). در کنار سایر محققان علوم انسانی علاقه‌مند به مباحث میان‌رشته‌ای، زبان‌شناسان ایرانی نیز به موضوع میان‌رشته‌ای‌ها گرایش پیدا کرده‌اند. برای مثال، اصغری و زندی (۱۳۹۲)، با اشاره به این واقعیت که حل مسائل پیچیده نیازمند همکاری حوزه‌های علمی مختلف است، از عصب‌شناسی زبان به‌عنوان یک حوزه مطالعاتی میان‌رشته‌ای یاد کرده‌اند و معتقدند بسیاری از مشکلات مربوط به بیماران زبان‌پریش، صرفاً به‌واسطه این میان‌رشته‌ای، رفع می‌شود. زندی (۱۳۹۳: ۵۵) نیز، با تأکید بر ماهیت چندوجهی زبان، کوشیده است ضمن معرفی میان‌رشته‌ای زبان‌شناسی تربیتی، کارکرد آن را در توسعه نظام تعلیم و تربیت توصیف کند. او معتقد است که نمی‌توان نتایج مطالعات نظری زبان‌شناسی نظری و تعلیم و تربیت را برای حل مسائل واقعی زبانی در محیط‌های آموزشی به‌کار برد و تنها راهکار، توسل به زبان‌شناسی تربیتی است، زیرا تنها به‌واسطه این میان‌رشته‌ای است که می‌توان یافته‌های زبان‌شناسی نظری را در رشته‌های عملیاتی، مانند آموزش زبان فارسی، به‌کار برد. همچنین داوری (۱۳۹۴) با اشاره به رویکرد میان‌رشته‌ای زبان‌شناسی کاربردی انتقادی، به معرفی قلمروهای مطالعاتی این رویکرد پرداخته است. عامریان (۱۳۹۴) نیز معتقد است آشنایی مدرسان زبان با علوم و حوزه‌های مختلف، موجب افزایش کیفیت محتوایی کلاس‌های آموزش زبان خارجی می‌شود و با توجه به این امر، طراحی و برگزاری دوره‌های تربیت مدرس زبان، با تأکید بر گسترش مطالعات غیر تخصصی و افزایش دانش دایره‌المعارفی، را پیشنهاد می‌کند.

بی‌تردید، بررسی کمی میان‌رشته‌ای‌ها در علوم بدون توجه به معیارها و مقیاس‌های متداول در علم‌سنجی امکان‌پذیر نیست. با تکیه بر معیارهای علم‌سنجی می‌توان تصویری کلان از یک علم معین را ارائه داد و سپس براساس این تصویر کلان، بررسی روند میان‌رشته‌ای‌شدن در علم مورد نظر امکان‌پذیر است.

به بیان دیگر، ارزیابی میزان میان‌رشته‌ای شدن بدون انجام علم‌سنجی میسر نیست و نگارندگان مقاله حاضر نیز کوشیده‌اند در گام نخست تمام مقالات علمی-پژوهشی منتشرشده در رشته زبان‌شناسی را گردآوری کنند و سپس روند میان‌رشته‌ای شدن پژوهش‌های این رشته را ارزیابی نمایند. شایان ذکر است که در زبان‌شناسی ایران تاکنون دو مطالعه براساس معیارهای علم‌سنجی انجام گرفته است. زارعی و خدادادشهری (۱۳۹۴)، با روش تحلیل استنادی، ۲۱۳ مقاله منتشرشده در ۲۱ شماره از دوماه‌نامه علمی-پژوهشی جستارهای زبانی را بررسی کرده‌اند و تصویری جامع از وضعیت هم‌نویسندگی، میانگین استناد در هر مقاله و ماهیت منابع ارجاع‌داده شده (کتاب، مقاله نشریه، مقاله همایش و غیره) و نیز پراستنادترین نویسنده و مترجم در مقالات مورد مطالعه را ارائه داده‌اند. رضاقلی‌فامیان (۱۳۹۳) نیز ۴۱۱ مقاله ارائه شده در هشت همایش زبان‌شناسی ایران را از منظر علم‌سنجی ارزیابی کرده و گزارش داده است که گرایش به هم‌نویسندگی در طول زمان (از ۱۳۷۲ تا ۱۳۹۱) افزایش یافته است و سه حوزه نحو، تحلیل گفتمان و ساخت‌واژه، پربسامدترین حوزه‌های حاضر در همایش‌های مورد بررسی هستند. از آنجا که تاکنون موضوع میان‌رشته‌ای‌ها در زبان‌شناسی ایران به صورت کمی مورد بررسی قرار نگرفته است، نگارندگان مقاله حاضر کوشیده‌اند با ارزیابی مقالات علمی-پژوهشی منتشرشده در نشریات ایران، خلأ پژوهشی مورد نظر را تا اندازه‌ای رفع کنند.

در این پژوهش می‌کوشیم به پنج پرسش زیر پاسخ دهیم:

۱. سهم مطالعات تک‌حوزه‌ای، تک‌میان‌رشته‌ای و نیز میان‌حوزه‌ای و میان‌رشته‌ای در زبان‌شناسی ایران به چه میزان است؟
۲. فراوانی مقالات تک‌حوزه‌ای و تک‌میان‌رشته‌ای در زبان‌شناسی ایران به چه میزان است؟
۳. سهم دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی و پژوهشی در انتشار مقالات علمی-پژوهشی به چه میزان است؟
۴. تعامل حوزه‌ها و میان‌رشته‌ای‌ها در کل پیکره به چه میزان است؟
۵. آیا فراوانی مطالعات میان‌حوزه‌ای و میان‌رشته‌ای در سیر زمان افزایش یافته است؟

۲- روش‌شناسی پژوهش

در این پژوهش مقالات پژوهشی دانش زبان‌شناسی که به زبان فارسی و در نشریات ایرانی با رتبه علمی-پژوهشی منتشر شده‌اند، به‌عنوان داده تحقیق مدنظر قرار گرفته‌اند. به این ترتیب، مقالات نوشته شده به زبان‌های غیرفارسی، مقالات منتشرشده در نشریات علمی-ترویجی یا علمی-تخصصی، آثار مندرج در

مجموعه مقالات همایش‌ها، یادنامه‌ها و نظایر آن و همچنین مقالات غیرپژوهشی از قبیل نامه سردبیر، گزارش شرکت در همایش، نقد کتاب و نظایر آن کنار گذاشته شده‌اند. در گردآوری مقالات، هیچ محدودیت زمانی‌ای در نظر گرفته نشده است. نگارندگان صرفاً به مقالات پژوهشی نشریات ویژه زبان‌شناسی اکتفا نکرده‌اند و بنابر ماهیت پژوهش که بر میان‌رشته‌های‌ها تأکید دارد، تعداد قابل توجهی از مقالات از نشریات علمی-پژوهشی غیرزبان‌شناسی استخراج شده است. به این ترتیب، در مجموع، ۱۸۵۹ مقاله از ۴۷ نشریه علمی-پژوهشی استخراج شد. محققان در گردآوری داده‌ها، ابتدا مقالات مندرج در نشریات علمی-پژوهشی رشته زبان‌شناسی را فهرست‌نویسی کردند و سپس با مراجعه به پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی^۱ و پرتال جامع علوم انسانی^۲ و درج کلیدواژه‌هایی مانند «زبان»، «گوش»، «نحو»، «معنی‌شناسی» و نظایر آن به شناسایی مقالاتی پرداختند که به‌نحوی با زبان‌شناسی ارتباط دارند. بی‌تردید، مراجعه به چنین پایگاه‌هایی باعث شده است شمار نسبتاً زیادی از مقالات مربوط به علم زبان‌شناسی که در نشریات غیرزبان‌شناسی منتشر شده‌اند، از دایره مطالعه حاضر خارج نشوند. برای مثال، می‌توان به مقاله‌ای در «فصل‌نامه کودکان استثنایی» با عنوان «مقایسه صوت‌شناختی همخوان‌های انفجاری در تولید گفتار کودکان با کاشت حلزون و کودکان شنوا» (روح‌پرور و همکاران، ۱۳۹۱)، یا مقاله‌ای در فصل‌نامه «رسانه و فرهنگ» با عنوان «رادیو و کارویژه‌های عصر نو: نقطه‌گذاری فرهنگی، رایانش اجتماعی، باغبانی زبانی» (مستقیمی، ۱۳۹۳) اشاره کرد.

از آنجا که محققان در استخراج و تحلیل داده‌ها از اصطلاحاتی همچون تک‌حوزه‌ای، میان‌حوزه‌ای، تک‌میان‌رشته‌ای، و چندمیان‌رشته‌ای استفاده کرده‌اند، ضروری است تعریفی اجمالی از هر یک به‌همراه نمونه ارائه شود. در این پژوهش، برای علم زبان‌شناسی، ۱۵ حوزه (شامل نحو، ساخت‌واژه، معنی‌شناسی، واج‌شناسی، تحلیل گفتمان و غیره) و ۷ میان‌رشته‌ای (شامل ادبیات و زبان‌شناسی، جامعه‌شناسی زبان، روان‌شناسی زبان، زبان‌شناسی رایانه‌ای، علوم شناختی، فلسفه و زبان، زبان‌شناسی حقوقی) در نظر گرفته شده است. منظور از مقاله تک‌حوزه‌ای، مقاله‌ای است که نویسنده یا نویسندگان آن صرفاً در چارچوب یک حوزه از علم زبان‌شناسی به مطالعه پرداخته‌اند. برای مثال، مقاله با عنوان «حذف گروه فعلی در زبان فارسی: مسأله ساختاری» (کریمی و آزموده، ۱۳۹۱) یک مقاله تک‌حوزه‌ای نحو، و مقاله «آواشناسی و واج‌شناسی همخوان‌های چاکنایی» (صادقی، ۱۳۸۹) یک مقاله تک‌حوزه‌ای واج‌شناسی به‌شمار می‌آیند. در مقالات میان‌حوزه‌ای، خواه به‌لحاظ انگاره نظری و خواه از نظر روش‌شناسی پژوهش، شاهد تعامل بیش از یک حوزه

1. www.sid.ir

2. www.ensani.ir

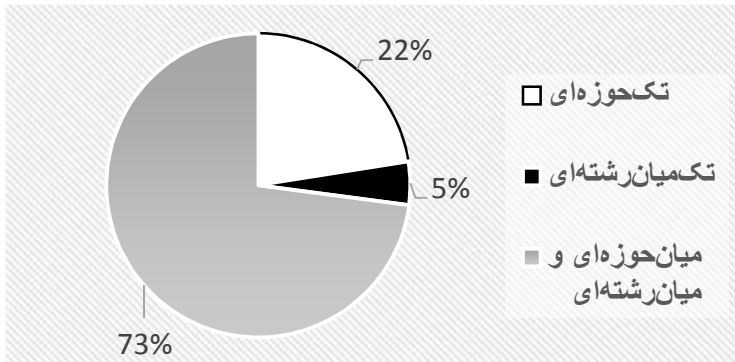
هستیم. برای مثال، مقاله «تأثیر بافت متنی بر معنای متن» (ساسانی، ۱۳۸۹) اثری است که از تعامل دو حوزه تحلیل گفتمان و معنی‌شناسی شکل گرفته است. منظور از تک‌میان‌رشته‌ای، مقاله‌ای است که در چارچوب فقط یک میان‌رشته‌ای به رشته تحریر درآمده است. برای مثال، مقاله «به‌سوی چارچوب سیاست زبانی ملی» یک اثر تک‌میان‌رشته‌ای (جامعه‌شناسی زبان) است (احمدی‌پور، ۱۳۹۰). چنانچه در مبانی نظری، روش‌شناسی پژوهش یا بحث و نتیجه‌گیری یک مقاله شاهد تعامل یک یا چند حوزه با یک یا چند میان‌رشته‌ای باشیم، اثر مورد نظر میان‌حوزه‌ای-میان‌رشته‌ای تلقی می‌شود، مانند «فرایند واژه‌سازی در زبان مخفی فارسی» (مؤمنی، ۱۳۸۹) که حاصل تعامل حوزه ساخت‌واژه با میان‌رشته‌ای جامعه‌شناسی زبان است. به‌منظور ارزیابی سیر تحول در گرایش به مطالعات میان‌رشته‌ای، پنج دوره زمانی مد نظر قرار گرفته و سال‌های ۱۳۷۰ تا ۱۳۹۴ به پنج مقطع پنج‌ساله تقسیم شده است. لازم به ذکر است که مقالات پیکره از ۴۷ نشریه علمی-پژوهشی شامل نشریات تخصصی زبان‌شناسی و غیرزبان‌شناسی (مانند پژوهش‌نامه زنان، منطق‌پژوهی، فصل‌نامه فرهنگ-ارتباطات و غیره) گردآوری شده‌اند.

۳- تحلیل و بحث

در این بخش به نتایج آماری مطالعه پرداخته و برای هر دسته از نتایج تحلیلی اولیه ارائه می‌دهیم.

۳-۱- سهم تک‌حوزه‌ای‌ها، تک‌میان‌رشته‌ای‌ها، میان‌حوزه‌ای و میان‌رشته‌ای‌ها

پس از استخراج تمام مقالات علمی-پژوهشی رشته زبان‌شناسی همگانی (به زبان فارسی) منتشرشده در نشریات زبان‌شناسی و غیرزبان‌شناسی ایران، مشخص شد که ۴۱۹ مقاله (حدود ۲۲ درصد) تک‌حوزه‌ای و ۸۷ مقاله (حدود ۵ درصد) تک‌میان‌رشته‌ای هستند. به این ترتیب، در پاسخ به پرسش اول مطالعه حاضر، می‌توان ادعا کرد که ۱۳۵۳ مقاله (۷۳ درصد) از مجموع مقالات ویژگی میان‌حوزه‌ای یا میان‌رشته‌ای دارند. نمودار زیر توزیع این سه بخش از پیکره را نشان می‌دهد.

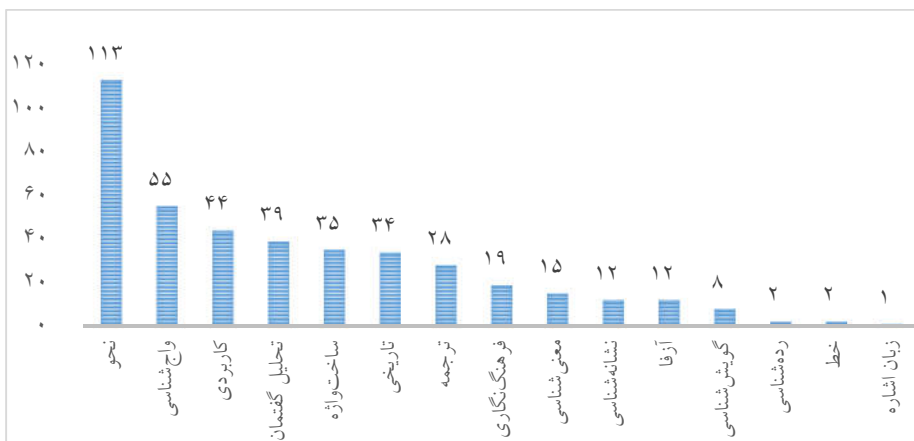


نمودار ۱- توزیع مقالات تک‌حوزه‌ای، تک‌میان‌رشته‌ای و میان‌حوزه‌ای و میان‌رشته‌ای

پیش از آن که به بحث میان‌حوزه‌ای‌ها و میان‌رشته‌ای‌ها بپردازیم، شایسته است درخصوص حوزه‌های مقالات تک‌حوزه‌ای کندوکاو کنیم. بررسی عنوان مقالات، چکیده، چارچوب نظری و یافته‌های مندرج در مقالات حاکی از آن است که بخش اعظم مقالات تک‌حوزه‌ای به حوزهٔ نحو اختصاص دارد و حوزه‌های واج‌شناسی، زبان‌شناسی کاربردی، و تحلیل گفتمان در رده‌های دوم تا چهارم قرار می‌گیرند. نمودار ۲ فراوانی مقالات تک‌حوزه‌ای را به تفکیک حوزه‌های زبان‌شناسی نشان می‌دهد.

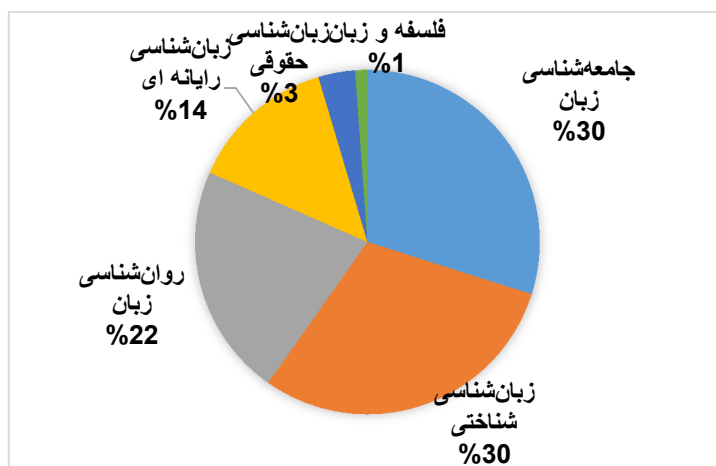
۳-۲- فراوانی تک‌حوزه‌ای‌ها و تک‌میان‌رشته‌ای‌ها

همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، در این پژوهش ۱۵ حوزه (شامل نحو، ساخت‌واژه، معنی‌شناسی، و غیره) و ۷ میان‌رشته‌ای (شامل ادبیات و زبان‌شناسی، روان‌شناسی زبان، جامعه‌شناسی زبان و غیره) در نظر گرفته شده‌اند. در ادامه، فراوانی مقالات تک‌حوزه‌ای و تک‌میان‌رشته‌ای پیکره ارائه شده است. مطابق با نمودار زیر، از میان ۴۱۰ مقالهٔ تک‌حوزه‌ای، حوزهٔ نحو (با فراوانی ۱۱۳) و حوزهٔ زبان اشاره (با فراوانی ۱) به ترتیب پربسامدترین و کم‌بسامدترین حوزه‌ها به‌شمار می‌آیند. البته باید دید، پانزده حوزهٔ مورد نظر در تعامل با سایر حوزه‌ها یا میان‌رشته‌ای‌ها چه عملکردی از خود نشان داده‌اند.



نمودار ۲- فراوانی مقالات تک‌حوزه‌ای

فراوانی مقالات تک‌میان‌رشته‌ای ۸۷ مورد است. از نکات قابل تأمل در آمار مربوط به تک‌میان‌رشته‌ای‌ها این است که مقاله‌ای تک‌میان‌رشته‌ای در زمینه ادبیات و زبان‌شناسی مشاهده نشد. علت این امر آن است که هرگاه نویسندگانی کوشیده است پژوهشی در زمینه ادبیات و زبان‌شناسی انجام دهد، به‌طور خودکار به یک حوزه معین از زبان‌شناسی مانند نحو، گفتمان و نظایر آن پرداخته است و لذا مقاله از حالت تک‌میان‌رشته‌ای خارج شده و در رده مقالات میان‌رشته‌ای و میان‌حوزه‌ای جای گرفته است. چنین حالتی برای سایر تک‌میان‌رشته‌ای‌ها دیده نمی‌شود. برای مثال، مقاله «درباره زبان و تفکر» (باطنی، ۱۳۷۴) به‌طور مشخص به هیچ کدام از حوزه‌های ۱۵گانه مورد نظر پژوهش حاضر مربوط نیست و لذا مقاله مذکور را به‌عنوان تک‌میان‌رشته‌ای روان‌شناسی زبان درگرفته‌ایم. جدول ۳ درصد تک‌میان‌رشته‌ای‌ها را در کل مقالات مورد مطالعه نشان می‌دهد.



نمودار ۳- درصد تک‌میان‌رشته‌ای‌ها در کل پیکره

۳-۳- سهم دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی و پژوهشی در انتشار مقالات

در استخراج داده‌های پژوهش حاضر، وابستگی سازمانی نویسندگان مقالات نیز مدنظر قرار گرفته است. در مجموع، ۲۵۷۱ مورد مشارکت از ۱۲۷ دانشگاه و مرکز آموزشی و پژوهشی مختلف مشاهده شد. عدد ۲۵۷۱ بیشتر از فراوانی مقالات کل پیکره (۱۸۵۹ مقاله) است، زیرا اغلب بیش از یک نویسنده در نگارش مقاله مشارکت داشته‌اند. جدول زیر پانزده دانشگاه و مرکز آموزش عالی با بالاترین مشارکت را نشان می‌دهد. به‌جز دانشگاه‌های مندرج در این جدول، ۱۱۲ دانشگاه و مرکز آموزشی یا پژوهشی دیگر در نگارش مقالات پیکره سهم داشته‌اند و البته سهم مشارکت بسیاری از این مراکز تنها یک مورد بوده است. گفتنی است عدد ۱ مربوط به این گونه مراکز علمی (مانند دانشگاه گنبد کاووس) الزاماً به این معنا نیست که یک نویسنده (دانشجو یا عضو هیئت علمی) از دانشگاه گنبد کاووس، یک مقاله مستقل منتشر کرده است، بلکه ممکن است عدد ۱ به این معنا باشد که یک دانشجو یا عضو هیئت علمی از دانشگاه مذکور در تألیف مقاله‌ای گروهی مشارکت داشته است و سایر نویسندگان مقاله از دانشگاه‌های دیگر بوده‌اند.

جدول ۱- سهم مشارکت دانشگاه‌ها در انتشار مقالات

درصد تجمعی	درصد	فراوانی		
۱۴/۱	۱۴/۱	۲۹۲	دانشگاه تربیت مدرس	۱
۲۷	۱۲/۹	۲۶۸	دانشگاه تهران	۲
۳۸/۸	۱۱/۸	۲۴۶	دانشگاه فردوسی مشهد	۳
۴۹/۴	۱۰/۵	۲۱۹	دانشگاه اصفهان	۴
۵۹	۹/۶	۲۰۰	دانشگاه علامه طباطبایی	۵
۶۹/۵	۹/۵	۱۹۸	دانشگاه آزاد اسلامی	۶
۷۵/۴	۶/۹	۱۴۴	دانشگاه پیام نور	۷
۸۰/۳	۴/۸	۱۰۰	دانشگاه بوعلی سینا	۸
۸۴/۹	۴/۷	۹۷	دانشگاه شهید بهشتی	۹
۸۹/۴	۴/۴	۹۲	پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی	۱۰
۹۲/۶	۳/۲	۶۷	دانشگاه الزهرا	۱۱
۹۴/۸	۲/۲	۴۶	دانشگاه شیراز	۱۲
۹۶/۶	۱/۸	۳۸	دانشگاه بیرجند	۱۳
۹۸/۴	۱/۷	۳۶	دانشگاه کردستان	۱۴
۱۰۰	۱/۶	۳۴	دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)	۱۵

با دقت در رده‌های بالای جدول فوق، درمی‌یابیم که میان تعداد اعضای هیئت علمی و دانشجویان زبان‌شناسی همگانی یک مرکز آموزشی-پژوهشی با فراوانی مقالات تولیدشده، الزاماً رابطه مستقیم وجود ندارد، به طوری که برخی دانشگاه‌ها (مانند دانشگاه تربیت مدرس) با اعضای هیئت علمی و دانشجویان محدود سهم بیشتری از حجم مقالات را به خود اختصاص داده‌اند و برعکس، برخی دانشگاه‌ها با اعضای هیئت علمی و دانشجویان بیشتر در رتبه‌های پایین‌تر قرار گرفته‌اند. بی‌تردید، رویکرد میان‌رشته‌ای اعضای هیئت علمی یک دانشگاه در میزان سهم و مشارکت آنان مؤثر است. برای مثال، نام یک عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس در نشریه‌ای غیرزبان‌شناسی (فصل‌نامه منطق پژوهی) در کنار سه محقق دیگر از رشته فلسفه به چشم می‌خورد (حجتی و همکاران، ۱۳۹۲)، و همین امر نشان می‌دهد که رویکرد میان‌رشته‌ای یک محقق تا چه میزان در فراوانی آثار و البته گستره پژوهشی او و همچنین میزان مشارکت دانشگاه وی مؤثر است.

۳-۴- تعامل حوزه‌ها و میان‌رشته‌ای‌ها در کل پیکره

اکنون به تعامل حوزه‌ها در کل پیکره می‌پردازیم. جدول ۲ فراوانی و درصد حوزه‌های ۱۵ گانه را در کل پیکره نشان می‌دهد. عدد درج‌شده در مقابل حوزه‌ی نحو نشان می‌دهد که در ۳۷۸ مقاله از کل پیکره، اعم از تک‌حوزه‌ای، دو یا چندحوزه‌ای، یا مقالات حاصل از تعامل حوزه‌ها با میان‌رشته‌ای‌ها، حوزه‌ی نحو حضور داشته است. جدول ۳ نیز فراوانی و درصد میان‌رشته‌ای‌ها را نشان می‌دهد. عدد مندرج در مقابل میان‌رشته‌ای‌ی روان‌شناسی زبان حاکی از این است که در ۱۴۳ مقاله، اعم از تک‌میان‌رشته‌ای، چندمیان‌رشته‌ای، یا تعامل میان‌رشته‌ای با حوزه‌های زبان‌شناسی، میان‌رشته‌ای‌ی روان‌شناسی زبان حضور داشته است. به این ترتیب، بدیهی است مجموع فراوانی‌ها در هر دو جدول از فراوانی کل پیکره بیشتر باشد.

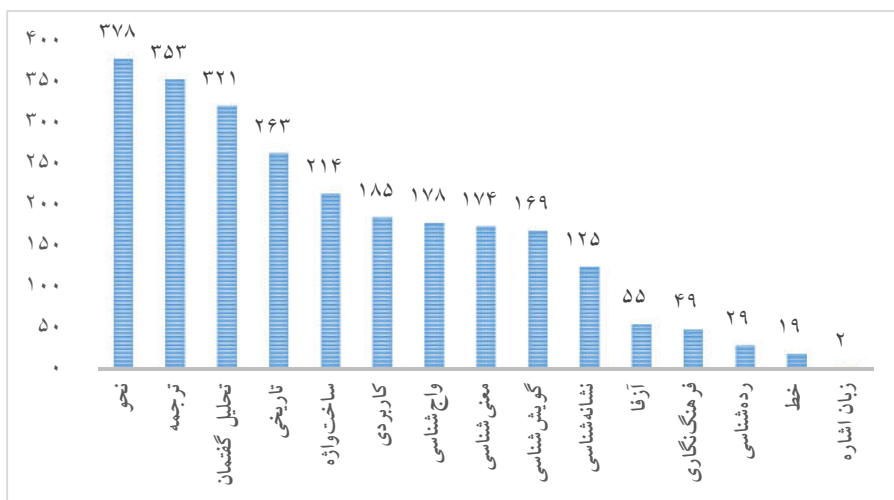
جدول ۲- فراوانی و درصد حوزه‌ها

حوزه	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
نحو	۳۷۸	۱۵	۱۵
معنی‌شناسی	۱۷۴	۶/۹	۲۲
ساخت‌واژه	۲۱۴	۸/۵	۳۰/۵
واج‌شناسی	۱۷۸	۷/۱	۳۷/۵
گوش‌شناسی	۱۶۹	۶/۷	۴۴/۳
کاربردی	۱۸۵	۷/۴	۵۱/۶
تحلیل‌گفتمان	۳۲۱	۱۲/۸	۶۴/۴
ترجمه	۳۵۳	۱۴	۷۸/۴
رده‌شناسی	۲۹	۱/۲	۷۹/۶
تاریخی	۲۶۳	۱۰/۵	۹۰/۱
آموزش زبان فارسی	۵۵	۲/۲	۹۲/۲
فرهنگ‌نگاری	۴۹	۱/۹	۹۴/۲
خط	۱۹	۰/۸	۹۴/۹
زبان اشاره	۲	۰/۱	۹۵
نشانه‌شناسی	۱۲۵	۵	۱۰۰
کل	۲۵۱۴	۱۰۰	

جدول ۳- فراوانی و درصد میان‌رشته‌های

میان‌رشته‌های	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
روان‌شناسی زبان	۱۴۳	۱۴/۹	۱۴/۹
جامعه‌شناسی زبان	۲۵۳	۲۶/۳	۴۱/۲
زبان‌شناسی رایانه‌ای	۷۶	۷/۹	۴۹/۱
ادبیات و زبان‌شناسی	۳۲۷	۳/۴	۸۲/۱
زبان‌شناسی شناختی	۱۲۰	۱۲/۵	۹۵/۶
فلسفه و زبان	۳۴	۳/۵	۹۹/۲
زبان‌شناسی حقوقی	۸	۰/۸	۱۰۰
کل	۹۶۱	۱۰۰	

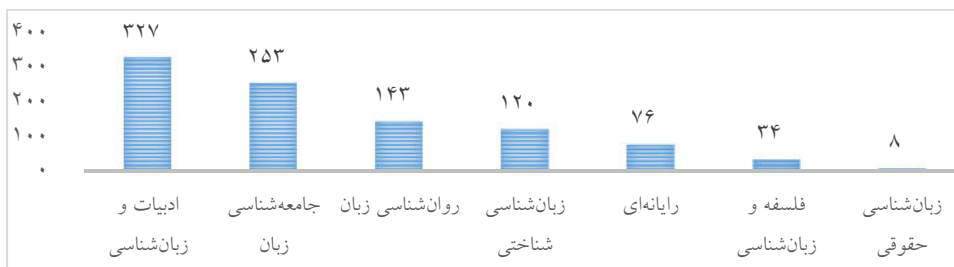
با دقت در نمودارهای زیر می‌توان میزان مشارکت حوزه‌ها و میان‌رشته‌های را در کل پیکره مقایسه و ارزیابی کرد.



نمودار ۴- فراوانی حوزه‌ها در کل پیکره

مطابق با نمودار بالا، از میان پانزده حوزه‌ زبان‌شناسی، حوزه‌های نحو، ترجمه و تحلیل گفتمان بیشترین مشارکت را در کل پیکره داشته‌اند. برای مثال، در مقاله «از ابرسوژه تا ناسوژه: جلوه‌های متناوب قدرت در

نمایشنامه سیاه‌ها اثر ژان ژنه» (رحیمی‌جعفری و شعیری، ۱۳۸۹)، شاهد تعامل سه حوزه نشانه‌شناسی، معنی‌شناسی و تحلیل گفتمان هستیم. همچنین مقاله «توصیف ویژگی‌های نحوی و واژگانی متون حقوق مدنی فارسی» (روشن و بهبودی، ۱۳۸۸) حاصل تعامل دو حوزه نحو و ساخت‌واژه به‌همراه میان‌رشته‌ای زبان‌شناسی حقوقی است.



نمودار ۵- فراوانی میان‌رشته‌ای‌ها در کل پیکره

یکی از انگیزه‌های پژوهش حاضر این بوده است که به‌طور تقاطعی، تعامل پانزده حوزه را با هفت میان‌رشته‌ای مورد بررسی نشان دهد. جدول تقاطعی زیر فراوانی تعامل تک‌تک حوزه‌ها با میان‌رشته‌ای‌ها را نشان می‌دهد.

جدول ۴- جدول تقاطعی تعامل حوزه‌ها و میان‌رشته‌ای‌ها

حوزه \ رشته	روان‌شناسی زبان	جامعه‌شناسی زبان	زبان‌شناسی رایانه‌ای	ادبیات و زبان‌شناسی	علوم شناختی	فلسفه زبان‌شناختی	حقوقی	مجموع
ترجمه	۹	۵۴	۱۵	۶۰	۱۰	۲۱	۰	۱۶۹
تحلیل گفتمان	۱۱	۴۵	۵	۹۸	۵	۰	۲	۱۶۶
کاربردی	۴۱	۳۶	۱۸	۸	۴	۳	۰	۱۱۰
نحو	۱۸	۴	۴	۲۱	۲۳	۲	۰	۷۲
معنی‌شناسی	۳	۴	۴	۵۱	۵	۴	۰	۷۱
تاریخی	۰	۳۱	۳	۲۴	۸	۱	۰	۶۷
نشانه‌شناسی	۱	۶	۱	۵۶	۰	۲	۰	۶۶
واج‌شناسی	۱۲	۱۲	۳	۱۴	۱	۰	۱	۴۳
ساخت‌واژه	۳	۱۵	۲	۱۲	۴	۰	۰	۳۶
گویش‌شناسی	۲	۲۰	۱	۳	۲	۰	۰	۲۸
آموزش زبان فارسی	۸	۳	۴	۲	۲	۰	۰	۱۹
فرهنگ‌نگاری	۲	۵	۱	۲	۱	۰	۱	۱۲

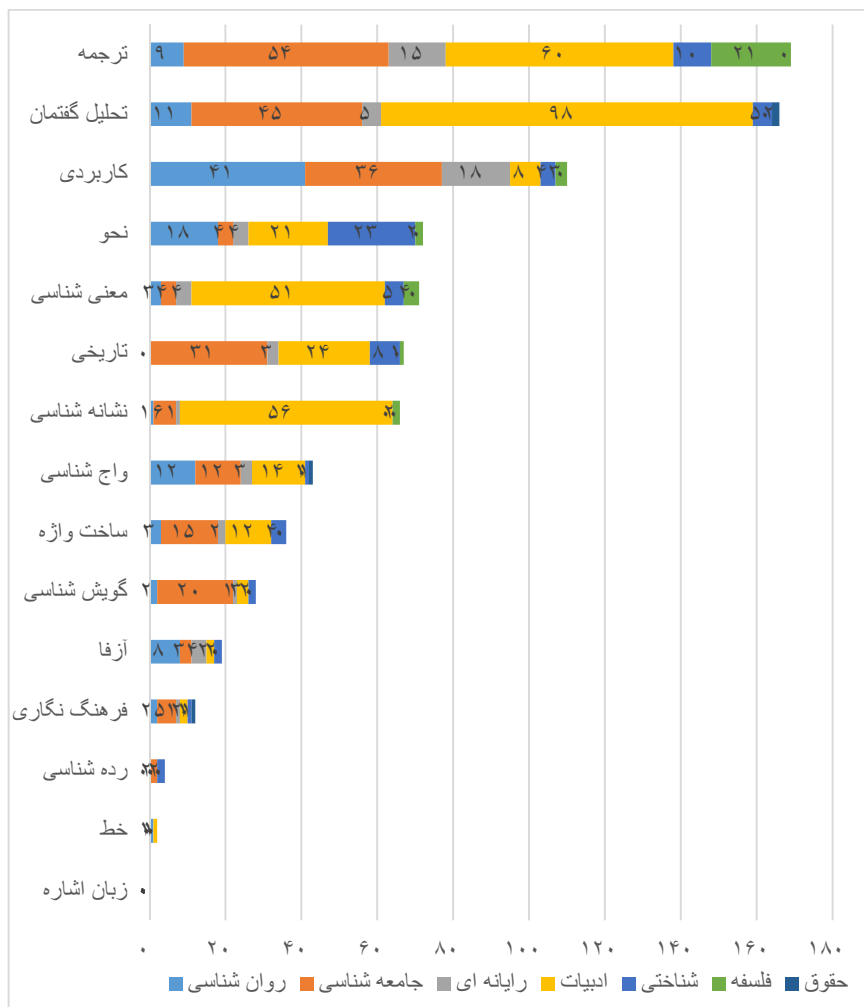
رده‌شناسی	۰	۲	۰	۰	۲	۰	۰	۴
خط	۱	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۲
زبان اشاره	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
مجموع	۱۱۱	۲۳۷	۶۱	۳۵۲	۶۷	۳۳	۴	۸۶۵

در جدول بالا، منظور از عدد ۹ در تقاطع ردیف ترجمه با ستون روان‌شناسی زبان این است که در ۹ مقاله، حوزه ترجمه با میان‌رشته‌ای روان‌شناسی زبان در تعامل بوده است. برای مثال، می‌توان به مقاله «تفکر انتقادی و ترجمه: بررسی ارتباط میان مهارت تفکر انتقادی و توانایی در ترجمه» (پیش‌قدم و همکاران، ۱۳۹۰) اشاره کرد.

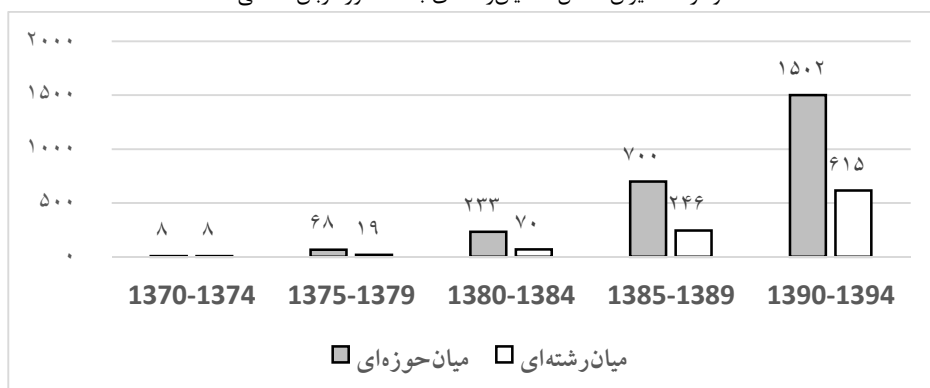
اعداد مندرج در آخرین نشان می‌دهد که میان‌رشته‌ای ادبیات و زبان‌شناسی (با فراوانی ۳۵۲) بیشترین تعامل را با حوزه‌های زبان‌شناسی دارد و حوزه‌های جامعه‌شناسی زبان (۲۳۷) و روان‌شناسی زبان (۱۱۱) در رتبه‌های دوم و سوم قرار دارند. از سوی دیگر، بیشترین میزان تعامل به میان‌رشته‌ای ادبیات و زبان‌شناسی با حوزه تحلیل گفتمان (۹۸) اختصاص دارد که برای نمونه می‌توان از مقاله «مقاومت و براندازی گفتمان ادبی غالب در شعر نیمایوشیچ و والت ویتمن» (اسدی امجد و روحانی‌منش، ۱۳۹۳) نام برد. نمودار زیر باهدف مقایسه میزان تعامل میان‌رشته‌ای‌ها با حوزه‌های زبان‌شناسی ارائه شده است.

۳-۵- روند میان‌رشته‌ای و میان‌حوزه‌ای شدن در گذر زمان

در گردآوری داده‌ها، محققان به تاریخ انتشار مقالات نیز توجه کرده‌اند و به همین علت، سیر تحول در فراوانی مقالات میان‌حوزه‌ای و میان‌رشته‌ای امکان‌پذیر است. براساس ستون‌های مندرج در نمودار زیر، فراوانی مقالات میان‌حوزه‌ای و میان‌رشته‌ای در طول یک دهه (از سال ۱۳۷۰ تا ۱۳۸۴) با رشد نسبی همراه بوده است، اما از سال ۱۳۸۵ به یک‌باره شاهد افزایشی معنی‌دار به‌ویژه در زمینه میان‌حوزه‌ای‌ها هستیم. فراوانی مقالات میان‌حوزه‌ای در پنج سال پایانی (۱۳۹۰-۱۳۹۴) بسیار چشمگیر است. به‌نظر می‌آید در سال‌های اخیر، نویسندگان مقالات کوشیدند یک مفهوم یا موضوع واحد در زبان را به‌طور همزمان از چند زاویه بررسی کنند. برای مثال، می‌توان به مقاله «تأثیر عوامل کلامی بر تبیین نوع الگوی حالت در گویش هورامی» (راسخ‌مهند و نقشبندی، ۱۳۹۲) اشاره کرد که در چارچوب نظری، پیکره مطالعه و بحث و نتیجه‌گیری آن سه حوزه تحلیل نحو، تحلیل گفتمان و گویش‌شناسی حضور دارند.



نمودار ۶- میزان تعامل ۷ میان‌رشته‌ای با ۱۵ حوزه‌ زبان‌شناسی



نمودار ۷- گسترش میان‌حوزه‌ای‌ها و میان‌رشته‌ای‌ها در طول زمان

۴- نتیجه‌گیری

همان‌طور که در مقدمه مقاله حاضر دیدیم، در مطالعات میان‌رشته‌ای تنوعی از الگوهای فعالیت نویسندگان مشاهده می‌شود. یکی از الگوهای فعالیت این است که محقق یا محققانی از رشته‌های دیگر، وارد قلمرو رشته‌های دیگر می‌شوند. مقاله «محوّرة اینترنتی و تأثیر آن در فرهنگ عمومی» (پیشگاه‌زاده، ۱۳۸۸) یکی از این نمونه‌هاست. نویسنده این مقاله زبان‌شناس نیست اما، به‌گواه موضوع و کلیدواژه‌های مقاله، می‌توان آن را در زمره تحقیقات زبان‌شناسی معرفی کرد. برای ارائه نمونه‌های دیگر از این الگو می‌توان به مقاله «بررسی و مقایسه ویژگی‌های زبانی کودکان اوتیستیک» (سبحانی‌راد و همکاران، ۱۳۹۲) اشاره کرد. هیچ یک از چهار نویسنده این مقاله زبان‌شناس نیستند و مقاله در نشریه‌ای غیرزبان‌شناسی (نشریه پژوهش‌های روان‌شناسی بالینی و مشاوره) منتشر شده است، اما پژوهش مذکور- چنان‌که از نام مقاله پیداست- کاملاً در حیطه زبان‌شناسی می‌گنجد. از این گذشته، اصطلاحات «معنی‌شناسی» و «کاربردشناسی» در کلیدواژه‌های مقاله گنجانده شده‌اند.

الگوی دوم، همکاری یک یا چند زبان‌شناس با یک یا چند غیرزبان‌شناس است که مواردی از این الگو- به‌خصوص همکاری میان زبان‌شناسان و محققان حوزه زبان و ادبیات فارسی- در کل پیکره مشاهده شد. برای مثال، مقاله «تحلیل گفتمانی جزیره سرگردانی و پیوند معنایی آن با دیگر رمان‌های سیمین دانشور» (قبادی و همکاران، ۱۳۹۰) حاصل همکاری دو محقق و دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی (به‌ترتیب نویسنده اول و سوم) و یک زبان‌شناس (نویسنده دوم) است.

الگوی سوم، همکاری محققان از دانشگاه‌های کشورهای مختلف است که موارد محدودی از این الگو نیز مشاهده شده است، از آن جمله می‌توان به مقاله «بررسی نقش سن در فرایند یادگیری زبان خارجی با توجه به یادگیری تلفظ، دستور، واژگان و مهارت‌های زبانی» (رحمتیان و همکاران، ۱۳۹۳) اشاره کرد که رتبه و وابستگی سازمانی نویسنده دوم مقاله (محمدحسین اطرشی) استادیار یکی از دانشگاه‌های فرانسه اعلام شده است. مقاله مذکور نیز حاصل تعامل روان‌شناسی زبان با حوزه کاربردی است. الگوی سوم که نمونه آرمانی مطالعات میان‌رشته‌ای محسوب می‌شود، همکاری محققانی از کشورهای مختلف و از گروه‌های علمی مختلف است. مقاله «توزیع رسایی در خوشه دوهمخوانی مرز هجا در زبان فارسی» (رحیمی و همکاران، ۱۳۹۴) نمونه‌ای از این الگوست که در آن نویسنده اول دانشجوی دکتری دانشگاه علوم کامپیوتر در دانشگاه ملبورن است، نویسنده دوم دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه زنجان است و نویسنده سوم نیز

استادیار مرکز زبان‌ها و زبان‌شناسی دانشگاه صنعتی شریف معرفی شده است. به این ترتیب، نتیجه می‌گیریم در زبان‌شناسی ایران، انواع همکاری منجر به مطالعات میان‌رشته‌ای وجود دارد، هرچند ممکن است در برخی زمینه‌ها - برای مثال همکاری میان محققان ایرانی با محققان غیرایرانی - چندان قابل ملاحظه نباشد. ذکر این نکته ضروری است که پیکره مطالعه حاضر صرفاً به مقالات فارسی اختصاص دارد. چه بسا در چارچوب مقالات به زبان‌های غیرفارسی، الگوی مورد نظر بیش از این باشد.

در این پژوهش مشاهده کردیم که از میان ۱۸۵۹ مقاله، تعداد ۱۳۵۳ مقاله (۷۳ درصد) ماهیت میان‌حوزه‌ای یا میان‌رشته‌ای دارد و لذا نتیجه می‌گیریم که دانش زبان‌شناسی ایران، همگام با سایر علوم در دیگر نقاط جهان، وارد مرزهای میان‌رشته‌ای شده است. از میان ۱۵ حوزه اصلی زبان‌شناسی، نحو، واج‌شناسی و زبان‌شناسی کاربردی، پربسامدترین مقالات تک‌حوزه‌ای هستند و حوزه زبان اشاره با یک عنوان مقاله، کم‌بسامدترین حوزه معرفی شده است. این یافته با نتایج علم‌سنجی ارائه‌شده توسط رضاقلی‌فامیان (۱۳۹۳)، در خصوص مقالات همایش‌های زبان‌شناسی، قابل مقایسه است. در مطالعه مذکور گزارش شده است که نحو، تحلیل گفتمان و ساخت‌واژه، به ترتیب سه زیرشاخه (حوزه) پربسامد در هشت همایش زبان‌شناسی ایران بوده‌اند. رتبه نخست حوزه نحو در پژوهش مذکور و مطالعه حاضر به این معناست که زبان‌شناسی ایران به‌گونه‌ای بارز نحو‌محور است و باز نمود این توجه در همایش‌ها و نشریات قابل مشاهده است. از میان هفت میان‌رشته‌ای شناسایی شده در مطالعه حاضر نیز، میان‌رشته‌ای‌های جامعه‌شناسی زبان و زبان‌شناسی شناختی (هر کدام با ۲۶ مقاله) پربسامدترین تک‌میان‌رشته‌ای‌ها به‌شمار می‌آیند.

با توجه به متغیر وابستگی سازمانی نویسندگان مقالات، مشاهده کردیم که اعضای هیئت علمی و دانشجویان ۱۲۷ دانشگاه و مرکز آموزشی و پژوهشی در تولید مقالات مورد بررسی مشارکت داشته‌اند. توزیع فراوانی مشارکت دانشگاه‌ها فاقد تناسب نسبی است، به طوری که فقط ۱۰ دانشگاه بیش از ۷۲ درصد از مشارکت تألیف مقالات را به خود اختصاص داده‌اند و میزان مشارکت بسیاری از سایر دانشگاه‌ها در این زمینه ۱ است.

نتایج مربوط به تعامل حوزه‌ها و میان‌رشته‌ای‌ها نشان داد که ضریب نفوذ سه حوزه نحو، ترجمه و تحلیل گفتمان بیش از سایر حوزه‌هاست و در میان‌رشته‌ای‌ها نیز، میان‌رشته‌ای ادبیات و زبان‌شناسی جایگاهی قابل تأمل در مطالعات میان‌رشته‌ای زبان‌شناسی به خود اختصاص می‌دهد. در جدول تقاطعی حوزه‌ها و میان‌رشته‌ای‌ها نیز دیدیم که پربسامدترین تعامل بین میان‌رشته‌ای ادبیات و زبان‌شناسی با حوزه تحلیل گفتمان (با ۹۸ مورد) برقرار است. البته در این خصوص بایستی به نکته توجه کرد که بسامد زیاد در تعامل

یک حوزه با یک میان‌رشته‌ای، الزاماً به معنای این نیست که همواره زبان‌شناسان علاقه‌مند به یک حوزه (برای مثال تحلیل گفتمان) به یک میان‌رشته‌ای (برای مثال ادبیات و زبان‌شناسی) علاقه‌مند می‌شوند، زیرا در موارد متعدد مشاهده شده است که محققان حوزه ادبیات فارسی به بحث تحلیل گفتمان علاقه‌مند شده‌اند و در نتیجه، پژوهشی میان‌رشته‌ای را رقم زده‌اند. در واقع، مسیر تعامل یک‌طرفه نیست، بلکه دوطرفه- و البته گاه چندطرفه- است.

همان‌طور که در نمودار ۷ مشاهده کردیم، فراوانی میان‌حوزه‌ای‌ها و میان‌رشته‌ای‌ها در طول ۲۵ سال اخیر (از ۱۳۷۰ تا ۱۳۹۴) افزایش یافته است و این الگو با گزارشی که پورتر و رافولز (۲۰۰۹) و همچنین سیلوا و همکاران (۲۰۱۳) ارائه داده‌اند، سازگار است. به نظر می‌آید تعامل روزافزون رشته‌ها با یکدیگر برای پاسخ به مسائل پیچیده و چندوجهی از مختصات دانش روز به‌شمار می‌آید و زبان‌شناسی ایران نیز از این روند فراگیر مستثنی نیست.

بدیهی است انجام این پژوهش در درجه نخست باهدف توصیف تعامل میان حوزه‌ها و میان‌رشته‌ای‌های زبان‌شناسی انجام شده است، اما می‌توان با رویکردی انتقادی و آسیب‌شناسانه نیز به داده‌ها و یافته‌ها نگریست. برای مثال، با وجود فراوانی قابل توجه مقالات در حوزه نحو، مطابق با جدول شماره ۴، صرفاً ۷۲ مقاله در این حوزه با میان‌رشته‌ای‌ها در تعامل بوده است. این بدان معناست که محققان حوزه نحو به استفاده از دانسته‌ها و یافته‌های نظری خود در سایر حوزه‌ها و میان‌رشته‌ای‌ها (مانند زبان‌شناسی رایانه‌ای) روی نیاورده‌اند. ناچیزبودن شمار مقالات حوزه آموزش زبان فارسی (۱۹ مقاله) نیز نشان می‌دهد که با وجود تأکید نهادهای آموزشی و پژوهشی کشور بر ترویج زبان فارسی، محققان زبان‌شناسی ایران به‌میزان کافی به جنبه‌های علمی آموزش فارسی توجه نداشته‌اند، هرچند با نگاهی به سال انتشار مقالات این حوزه درمی‌یابیم که این دسته از پژوهش‌ها در سال‌های اخیر رونق داشته است و احتمالاً این سیر صعودی در آینده نیز وجود خواهد داشت.

در پایان، ذکر این نکته ضروری است که این مطالعه با محوریت مقالات علمی-پژوهشی انجام شده است. بدیهی است روند میان‌رشته‌ای‌شدن را می‌توان براساس متغیرهایی نظیر کتاب‌های منتشرشده، مقالات علمی-ترویجی، طرح‌های پژوهشی، تعداد اعضای هیئت علمی گروه‌ها و دانشکده‌ها و نظایر آن نیز ارزیابی کرد. همچنین می‌توان در پژوهش‌های آینده به شاخص‌های مورد نظر پورتر و رافولز (۲۰۰۹) نیز توجه کرد و روند میان‌رشته‌ای‌شدن در زبان‌شناسی ایران را از منظر متغیرهای دیگر مانند منابع مورد استناد در مقالات علمی-پژوهشی ارزیابی نمود.

منابع

- آیت‌اللهی، حمیدرضا (۱۳۹۴). «عوامل فکری گسترش میان‌رشته‌گی». چکیده مقالات اولین همایش بین‌المللی ضرورت گفتگو در علوم انسانی: مطالعات میان‌رشته‌ای. تهران: دانشگاه خوارزمی، ۱۴-۱۳.
- احمدی‌پور، طاهره (۱۳۹۰). «به سوی چارچوب سیاست زبانی ملی». زبان‌شناخت. دوره ۲، ش ۳، ۱۶-۱.
- اسدی‌امجد، فاضل و محمدرضا روحانی‌منش (۱۳۹۳). «مقاومت و براندازی گفتمان ادبی غالب در شعر نیمایوشیج و والیت‌وینمن». مطالعات زبان و ترجمه. س ۴۷، ش ۲، ۴۴-۲۳.
- اصغری، فیروزه و بهمن زندی (۱۳۹۲). «عصب‌شناسی زبان؛ حوزه مطالعاتی بین‌رشته‌ای در زبان‌شناسی». فصل‌نامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی. دوره ۵، ش ۳، ۹۹-۷۷.
- باطنی، محمدرضا (۱۳۷۴). «رابطه زبان و تفکر». فصل‌نامه زبان و ادبیات فارسی. شماره ۶، ۶۶-۴۳.
- پیشگاه‌زاده، احمد (۱۳۸۸). «محوه‌اینترنیتی و تأثیر آن در فرهنگ عمومی». فصل‌نامه فرهنگ ارتباطات (نامه پژوهش فرهنگی سابق). س ۱۰، دوره ۳، ش ۷، ۴۶-۱۱.
- پیش‌قدم، رضا، محمدرضا هاشمی و شهرزاد حسامی‌ارانی (۱۳۹۰). «تفکر انتقادی و ترجمه: بررسی ارتباط میان مهارت تفکر انتقادی و توانایی در ترجمه». مطالعات زبان و ترجمه. ش ۴۴، ۳۳-۱۵.
- حجتی، سیدمحمدعلی، هومن محمد قربانیان، لطف‌الله نبوی و گلغام، ارسلان (۱۳۹۲). «هنجاری‌بودن معنی». منطق‌پژوهی. س ۴، ش ۱، ۶۳-۴۳.
- داوری، حسین (۱۳۹۴). «زبان‌شناسی کاربردی انتقادی: رویکرد میان‌رشته‌ای سنجش‌نگر در نقد و ارزیابی شاخه‌ای زبان‌شناسی کاربردی». فصل‌نامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی. دوره ۷، ش ۴، ۱۵۱-۱۲۹.
- راسخ‌مهند، محمد و زانیار نقشبندی (۱۳۹۲). «تأثیر عوامل کلامی بر تبیین نوع الگوی حالت در گویش هورامی». جستارهای زبانی. دوره ۴، ش ۴، ۱۰۹-۸۷.
- رحمتیان، روح‌الله، محمدحسین اطرشی و مرضیه مهربانی (۱۳۹۳). «بررسی نقش سن در فرایند یادگیری زبان خارجی با توجه به یادگیری تلفظ، دستور، واژگان و مهارت‌های زبانی». زبان‌پژوهی. س ۶، ش ۱۲، ۵۶-۴۱.
- رحیمی، افشین، محرم اسلامی و بهرام وزیرنژاد (۱۳۹۴). «توزیع رسایی در خوشه دوهمخوانی مرز هجا در زبان فارسی». زبان‌پژوهی. س ۷، ش ۱۷، ۲۷-۷.

رحیمی جعفری، مجید و حمیدرضا شعیری (۱۳۸۹). «از ابرسوژه تا ناسوژه: جلوه‌های متناوب قدرت در نمایشنامه سیاه‌اثر ژان ژنه». *نقد زبان و ادبیات خارجی (پژوهشنامه علوم انسانی)*. دوره ۲، ش ۴، ۱۷-۱.

رضاقلی‌فامیان، علی (۱۳۹۳). «بررسی دو دهه همایش در زبان‌شناسی ایران: یک مطالعه علم‌سنجی». *زبان‌شناخت*. س ۵، ش ۱، ۱۲۳-۱۰۳.

روح‌پرور، رحیمه، محمود بی‌جن‌خان و سعید حسن‌زاده (۱۳۸۸). «مقایسه صوت‌شناختی همخوان‌های انفجاری در تولید گفتار کودکان با کاشت حلزون و کودکان شنوا». *فصل‌نامه کودکان استثنایی*. ش ۳۴، ۳۰۸-۲۹۷.

روشن، بلقیس و سپیده بهبودی (۱۳۸۸). «توصیف ویژگی‌های نحوی و واژگانی متون حقوق مدنی فارسی». *زبان و زبان‌شناسی*. دوره ۵، ش ۹، ۱۳۶-۱۰۵.

زارعی، عیسی و نیره خدادادشهری (۱۳۹۴). «تحلیل محتوایی و استنادی مقالات دوماه‌نامه جستارهای زبانی (شماره ۲۱-۱) منتشرشده بین سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۳». *جستارهای زبانی*. دوره ۶، ش ۴، ۲۴۵-۲۳۷.

زندى، بهمن (۱۳۹۳). «زبان‌شناسی تربیتی به‌مثابه حوزه پژوهشی میان‌رشته‌ای». *فصل‌نامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی*. دوره ۶، ش ۴، ۷۰-۵۱.

ساسانی، فرهاد (۱۳۸۹). «تأثیر بافت متنی بر معنای متن». *زبان پژوهی*. دوره ۲، ش ۳، ۱۲۴-۱۰۹.

سبحانی‌راد، داود، علی مقیمی، علی غنایی چمن‌آبادی و پرویز معروضی (۱۳۹۲). «بررسی و مقایسه ویژگی‌های زبانی کودکان اوتیستیک». *پژوهش‌های روان‌شناسی بالینی و مشاوره*. دوره ۳، ش ۱، ۱۲۸-۱۱۹.

صادقی، وحید (۱۳۸۹). «آواشناسی و واج‌شناسی همخوان‌های چاکنایی». *پژوهش‌های زبان‌شناسی*. س ۲، ش ۱، ۶۲-۴۹.

عامریان، محمد (۱۳۹۴). «نقش دانش میان‌رشته‌ای مدرس در افزایش تأثیر کلاس‌های زبان انگلیسی». *چکیده مقالات اولین همایش بین‌المللی ضرورت گفتگو در علوم انسانی: مطالعات میان‌رشته‌ای*. دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه خوارزمی. ۱۱۰-۱۰۹.

قبادی، حسینعلی، فردوس آقاگل‌زاده، و سیدعلی دسپ (۱۳۹۰). «تحلیل گفتمانی جزیره سرگردانی و پیوند معنایی آن با دیگر رمان‌های سیمین دانشور». *ادب پژوهی*. ش ۱۵، ۵۷-۳۵.

کریمی، یادگار و حسن آزموده (۱۳۹۱). «حذف گروه فعلی در زبان فارسی: مسأله ساختاری». *پژوهش‌های زبانی*. دوره ۳، ش ۲، ۹۴-۷۷.

مستقیمی، حسین (۱۳۹۳). «رادیو و کارویژه‌های عصر نو: نقطه‌گذاری فرهنگی، رایانش اجتماعی، باغبانی زبانی». *فصل‌نامه مطالعات میان‌رشته‌ای در رسانه و فرهنگ*. ش ۷، ۱۰۶-۸۵.
مؤمنی، نگار (۱۳۸۹). «فرایند واژه‌سازی در زبان مخفی فارسی». *زبان و زبان‌شناسی*. دوره ۶، ش ۱۲، ۶۱-۸۶.

- Carayol, N. & T. U. Nguyen-Thi (2005). "Why do academic scientists engage in interdisciplinary research?". *Research Evaluation*. Vol.4, No.1: 70-79.
- Dressel, P., & D. Marcus (1982). *Teaching and learning in college*. San Francisco: Jossey-Bass.
- King, A. R. & J. A. Brownell (1976). *The curriculum and the disciplines of knowledge: A theory of communication practice*. Huntington, NY: Robert E. Krieger Publishing Company.
- Lattuca, R. L. (2001). *Creating interdisciplinarity: Interdisciplinary research and teaching among college and university faculty*. Vanderbilt University Press.
- Moran, J. (2002). *Interdisciplinarity*. Routledge.
- National Academics- Committee on Science, Engineering, and Public Policy (COSEPUP) Committee on Facilitating Interdisciplinary Research (2005). *Facilitating Interdisciplinary Research*. WashingtonDC: National Academies Press.
- Porter, A. L. & I. Rafols (2009). "Is science becoming more interdisciplinary? Measuring and mapping six research fields over time". *Scientometrics*, Vol. 81, No.3: 719-745.
- Silva, F. N. et al. (2013). "Quantifying the interdisciplinary of scientific journals and fields". *Journal of Informatics*. Vol7, Issue 2: 469-477.
- Turner, S. (2000) "What are disciplines? And how is interdisciplinarity different?". In. P. Weingart & N. Stehr (eds.), *Practicing interdisciplinarity*. University of Toronto Press: 46-65.
- Wagner, C. S. et al. (2011). "Approaches to understanding and measuring interdisciplinary scientific research (IDR): A review of the literature". *Journal of Informatics*, 165: 14-26.
- Whitley, R. (1976). "Umbrella and polytheistic scientific and their elites". *Social Studies of Science*, 6 (3-4): 471-497.